

مبحث حقوقی

۴- اگر محال علیه برات پس از قبولی ورشکست شد دارنده برات جزء غرما شده و مقداری از وجه برات را بقدر سهم از مال محال علیه دریافت می‌دارد و برای بدست آوردن بقیه وجه برات حق دارد بظهر نویس ها یا صادرکننده برات رجوع کند و همچنین اگر همه ظهر نویس ها و دهنده برات ورشکست شدند برای دریافت تمام وجه برات جزء غرما و از هر يك از ایادی سابقه بقدر سهم مقداری از وجه برات را دریافت می‌دارد (ماده ۲۵۱ قانون تجارت) در صورتیکه دارنده حواله هر گاه محال علیه که قبول حواله را کرده ورشکست و مفلس شد حق رجوع با بادی سابقه ندارد و فقط حق دارد جزء غرما محال علیه شود و بقدر سهم از مال محال علیه دریافت کند.

۵- اگر برات نکول و واخواست شد ظهر نویس ها و برات دهنده بتقاضای دارنده برات باید برای تأدیه وجه برات سر وعده ضامن بدهند [ماده ۲۳۷ تجارت] در صورتیکه اگر حواله نکول و یا امتناع از قبول شد محال حق خواستن ضامن از ظهر نویس ها و برات دهنده ندارد.

۶- دارنده براتیکه بعلت عدم تأدیه واخواست شد همینکه اقامه دعوی کرد دادگاه مکلف است بمجرد درخواست مشارالیه از اموال مدعی علیه معادل وجه برات بعنوان تأمین مدعی به توقیف نماید (ماده ۲۹۲ تجارت) در صورتی که در دعوی وجه حواله ترتیب تأمین مدعی به پس از درخواست محال بر طبق مواد قانون تأمین مدعی به می باشد.

۷- مدت مرور زمان در دعوی راجع به برات از تاریخ صدور اعتراض نامه یا آخرین تعقیب قضائی پنج سال است (ماده ۳۱۸) در صورتی که مدت مرور زمان راجع

در صورتیکه محال یا دارنده حواله کتبی حق مطالبه از یکی از اشخاص مذکور دارد باینطور که اگر محال علیه قبولی نوشت و در سر موعده پرداخت محال فقط حق رجوع و اقامه دعوی بمحال علیه دارد زیرا بمجرد قبول کردن محال علیه ذمه محیل و انتقال دهنده که میتوان آنها را محال سابق یا محیل ثانوی نامید فارغ میشود و اگر محال علیه قبول نکرد مال الحواله را بپردازد یا نکول در قبولی نمود دارنده حواله کتبی فقط حق رجوع به بد سابق خود دارد.

فلسفه ایجاد چنین حقی برای دارنده برات این است که برات از امور تجاری است و امور تجاری اهمیت خاصی در اقتصادیات و جریان بین المللی دارد و قانونگذار برای تسهیل و ایجاد اطمینان و اعتبار امتیازات مخصوصه برای آن قائل شده که وقفه در امور بازرگانی رخ ندهد.

۲- وقتیکه محال علیه قبولی نوشت و در موعده وجه برات را نپرداخت و برات واخواست [پروتست] شد دارنده برات حق دارد برات رجوعی بعهده ظهر نویس یا صادرکننده برات اصلی صادر نماید [ماده ۲۹۸ قانون تجارت] در صورتی که محال وقتی محال علیه قبول پرداخت کرد و مال الحواله را نداد حق صادر کردن چنین حواله بعهده بد سابق ندارد.

۳- اگر محال علیه نکول کرد یا امتناع از قبول نمود دارنده برات حق دارد از ظهر نویس یا برات دهنده نوع پولی که در برات قید شده و یا نوع پولی که داده و برات را خریده است مطالبه نماید (ماده ۲۵۳ قانون تجارت) در صورتی که حواله کتبی وقتی نکول و یا امتناع از قبول شد محال فقط حق مطالبه نوع پولی را دارد که در حواله نوشته شده و حق رجوع هم فقط ببد سابق خود دارد.

به وجه حواله موافق قانون مرور زمان اموال منقول می باشد .

۸- اگر براتی تکوین شد و درخواست بعمل آمد شخص ثالثی میتواند آنرا بنام برات دهنده یا یکی از ظهر نویس ها قبول کند و بعد از قبولی شخص ثالث تاوجه برات تادیه نشده دارنده برات میتواند ببرات دهنده و ظهر نویس ها رجوع و اقامه دعوی نماید (ماده ۲۳۹ و ۲۴۰ قانون تجارت) لیکن در حواله همینکه تکوین شد و شخص ثالثی آنرا قبول کرد بپردازد و نپرداخت دارنده حواله حق رجوع بمحیل ندارد اما این عدم حق رجوع در صورتی است که قبولی شخص ثالث کاشف از ضمانت مشارالیه از حواله دهنده باشد .

۹- براتیکه محال علیه قبولی نوشته و در سر وعده نداد و درخواست شد هر شخص ثالثی میتواند وجه برات را از طرف دهنده برات یا یکی از ظهر نویس ها بدهد و در این صورت شخص ثالث دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است از رجوع بظهر نویس ها و برات دهنده و اقامه دعوی بر آنها (ماده ۲۷۰-۲۷۱ تجارت) در صورتیکه در حواله اگر شخص ثالث تادیه وجه برات را با اجازه محال علیه داده فقط حق رجوع بمشارالیه دارد و اگر بدون اجازه داده حق رجوع بمحال علیه هم ندارد .

۱۰- هر عبارتیکه محال علیه در برات بنویسد و امضاء یا مهر کند برات قبول شده محسوب است و حتی اگر قبولی مشروط بشرط نوشته شود مع هذا در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است مگر اینکه صریحاً عبارتی که نوشته مشعر بر عدم قبول باشد (ماده ۲۲۹ و ۲۳۳ تجارت) لیکن در حواله برعکس اگر محال علیه قبول تادیه وجه حواله را مشروط بشرط نوشت یا عبارتی نوشت که ظاهر در قبول نیست ذمه او در مقابل محال مشغول نمیشود امضاء یا مهر تنها هم بدون قرینه و اماره که کاشف از قبول محال علیه باشد ظاهر در قبول نیست .

۱۱- اگر صاحب برات در ظهر نویسی وکالت بشخص

دیگری برای دریافت وجه بدهد آن شخص حق دارد در موعد تکوین یا امتناع از قبول با عدم تادیه و درخواست یا اقامه دعوی نماید (ماده ۲۴۷) در صورتیکه در حواله حق اقامه دعوی برای وکیل در وصول وجه حواله نیست .

۱۲- انتقال برات بوسیله ظهر نویسی بعمل میآید و آنچه لازم است در ظهر نویسی قید شود امضاء ظهر نویس است که انتقال دهنده باشد (مادتن ۲۴۵ و ۲۴۶ قانون تجارت) لیکن در حواله کتبی انتقال مال الحواله از طرف محال وقتی محقق می شود که محال در برک حواله علاوه بر امضاء تصریح کند که در وجه حسین (مثلاً) کار سازی دارید .

احکام و خصوصیات حواله

۱- شرط تحقق حواله رضاء محال و قبول محال علیه است .

(ماده ۷۲۵ قانون مدنی) لیکن شرط تحقق برات [باستثناء هشت شرط مندرج در ماده ۲۲۳ قانون تجارت فقط رضایت گیرنده برات شرط است] .

۲- محیل باید مدیون محال باشد بمقدار وجه حواله (ماده ۷۲۴ قانون مدنی) لیکن در برات مدیون بودن برات دهنده در مقابل گیرنده برات شرط نیست زیرا ممکن است صادر کننده برات بمنظور تحصیل اعتبار و ایجاد محل نزد گیرنده برات برای اینکه میخواهد چیزی از او بخرد یا براتی بدهد او صادر کند به منفعت گیرنده برات برات صادر میکند .

۳- اگر در وقت صدور حواله محال علیه معسر بوده و محال جاهل با عسار او باشد حق فسخ حواله و رجوع بمحیل برای محال میباشد (ماده ۷۲۹ قانون مدنی) لیکن در برات جهل گیرنده برات با عسار یا ورشکست محال علیه در موقع صدور برات موجب حق فسخ نیست .

۴- در حواله ممکن است اختیار فسخ برای محیل یا محال یا محال علیه قرار داده شود (ماده ۷۳۲ قانون مدنی) لیکن شرط اختیار فسخ در برات آنرا از اعتبار و جریان بین المللی

خارج مینماید.

۵- اگر در موقع معامله بین دو نفر شخص انتقال دهنده حواله کند با انتقال گیرنده که قیمت موضوع انتقال را به شخص ثالثی که انتقال دهنده مدیون آن است بپردازد و انتقال گیرنده قبول کرد و با انتقال گیرنده قیمت موضوع انتقال را حواله کرد بشخص ثالثی که مدیون او بود در وجه انتقال دهنده بپردازد و او هم قبول کرد و بعد معلوم شد معامله باطل بود این حواله باطل است و اگر وجه حواله دریافت شده باید مسترد گردد (ماده ۷۳۳ قانون مدنی) لیکن برات اگر چه منشاء صدور و گرفتن آن ناشی از معامله باطل بین دهنده و گیرنده برات باشد باطل نمیشود اما برات دهنده حق دارد رجوع بگيرنده وجه برات نماید برای استرداد وجه گرفته شده علت عدم بطلان برات بطوریکه سابقاً اشعار گردید حمایتی است که قانون نسبت برات دارد از جهت اعتبار در جریان بین المللی.

در خاتمه چون ذکر چند نکته خالی از اهمیت نبود لذا مبادرت بنگارش آنها میشود:

۱- ممکن است مال الحواله کتبی (معالیه) وجه نقد یا جنس مثل گندم یا عمل مثل حمل و نقل چیزی از جایی بجای دیگر باشد با این شرط که ذمه تحیل در عمل بالمباشره مدیون محال نباشد - مثل اینکه حسن بسبب تعهد لازم مدیون حسین بوده که بکصد تن سنگ از محل مخصوص حمل بمحل معین نماید بنحوی از آنجا در حالی که تقی در مقابل حسن مدیون بهمین عمل بوده در اینصورت ممکن

است حسن با رضایت حسین حواله کند تقی که يك صد تن سنگ حمل نماید از همان محل بمحل معهود برای حسین و تقی هم قبول کند.

۲- چون در حواله های کتبی معمول نیست که محیل مدیون بودن خود را برای محال بنویسد و همچنین اگر محال علیه مدیون محیل باشد معمول نیست محیل در حواله کتبی این نکته را تذکر دهد لذا حواله های کتبی معمولی ممکن است واقعاً حواله قانونی نباشد مثل این که تقی حواله کند بعلی مدیون خود که فلان مبلغ در وجه حسین بپردازد و فرض این باشد که حسین فقط مأذون از طرف تقی بوده در اخذ دین نه طلبکار و همچنین ممکن است حسین طلبکار از تقی باشد لیکن علی مباشر یا عامل و بعبارة آخری امانت دار از طرف تقی باشد و مال الحواله اعم از نقد یا جنس نزد علی امانت باشد در اینصورت بنا بر فرض اول اگر علی حواله را قبول کرد واقعاً مدیون حسین نیست و حسین نمی تواند از او اقامه دعوی نماید و بنا بر فرض دوم با اینکه علی قبول کرده باشد مال الحواله را بپردازد ذمه تقی در مقابل حسین فارغ نمیشود مگر بعد از دادن مال الحواله بحسین و نیز بنا بر فرض دوم اگر علی قبول کرد مال الحواله را بپردازد و نپرداخت و بعد ممکن نشد حسین از تقی مدیون استیفاء طلب خود را بنماید در اینصورت حسین خسارت خود را از باب غرر میتواند از علی مطالبه و بر او اقامه دعوی کند.

احمد شهر بور